

آپوئیسم: خاستگاه، جایگاه و رویکرد کنونی

نازنین و یامین



معرفی

عبدالله اوجالان (۷۶ ساله) ملقب به «آپو»، حدود نیم قرن پیش «حزب کارگران کردستان»^۱ (پ.ک.ک) را بنیان گذاشت و از «نقشه‌ی راه»ی سخن گفت که به آپوئیسم شهرت یافت. در طی این سال‌ها صدها هزار جان شیدا به صفوف این حزب جذب شدند، رزم کردند، جان باختند، شکنجه شدند و یا هم‌اکنون در زندان به سر می‌برند. در نخستین ماه‌های سال جاری، آپو - از زندان امرالی - اعلام کرد که دوران مبارزه‌ی مسلحانه به سر رسیده و پ.ک.ک مأموریت تاریخی خود را انجام داده و ضرورتی برای ادامه‌ی کار آن وجود ندارد؛ این در حالی بود که مبارزات سیاسی در ترکیه و کلیت خاورمیانه به‌طور فزاینده‌ای در جریان بوده است. اما وی کادرها و اعضای حزب را فراخواند تا سلاح را زمین بگذارند و حزب را منحل اعلام کنند. نوشتار حاضر با یک نگاه تاریخی تلاش می‌کند تا فرایند پاگیری، اعتلا و خلاصه انحلال این حزب را مورد بازنگری تحلیلی قرار دهد.

مقدمه

در ۲۲ اکتبر ۲۰۲۴ دولت باحچلی (Devlet Bahçeli)، رهبر «حزب حرکت ملی» (MHP)، در یک چرخش تاریخی،^۲ خطاب به پارلمان ترکیه گفت که اگر اوجالان پ.ک.ک را منحل کند، می‌تواند تقاضای آزادی مشروط (حق امید) کند و در پارلمان، در جلسه‌ی «حزب برابری و دموکراسی خلق‌ها» (HDP)^۳ سخنرانی کند.^۴ به دنبال این پیشنهاد یک هیئت نمایندگی به زندان امرالی اعزام شد تا با اوجالان مذاکره کند (۲۸ دسامبر ۲۰۲۴ و ۲۲ ژانویه ۲۰۲۵).^۵ دستاورد این ملاقات‌ها بیانیه‌ی ۲۵ آوریل ۲۰۲۵^۶ و رهنمود ۱۹ ژوئن^۷ بود که هر دوی‌شان بر خلع سلاح و انحلال حزب پ.ک.ک تأکید داشتند.

در روزهای ۵-۷ مه ۲۰۲۵ دوازدهمین کنگره‌ی پ.ک.ک با شرکت ۲۳۲ نماینده برگزار شد و طی بیانیه‌ای انحلال پ.ک.ک را اعلام کرد.^۸ در ۱۱ ژوئیه عده‌ای از رزمندگان پ.ک.ک، در غار یسنا یا جاسنه (Cave Jasna)، واقع در استان سلیمانیه‌ی اقلیم کردستان گرد آمدند و طی یک مراسم نمادین،

اسلحه‌های خود را به آتش کشیدند^۹ و به این ترتیب -در لیبیک با آپو- پایان مبارزه‌ی مسلحانه را اعلام داشتند.^{۱۰}

بررسی روند انحلال این حزب از این ضرورت ناشی می‌شود که اوضاع سیاسی ایران و ثبات خاورمیانه با مسئله‌ی کُرد و کُردستان گره خورده است. دهه‌هاست که کُردهای ساکن چهار کشور ایران، عراق، ترکیه و سوریه با جمعیتی حدود ۲۵ میلیون نفر، تحت ستم ملی هستند^{۱۱} و در جریان یک مبارزه‌ی طولانی و خونین، سازمان‌های سیاسی مختلفی را در چهار بخش کردستان (باکور یا کردستان شمالی در ترکیه، روزه‌وا یا کردستان غربی در سوریه، روزهلات یا کردستان شرقی در ایران و باشور یا کردستان جنوبی در اقلیم کردستان عراق) پایه‌گذاری کرده‌اند^{۱۲} که از این میان پ.ک.ک و شعبه‌های آن جایگاه و اهمیت ویژه‌ای دارند.

لازم به یادآوری است که نوشتار حاضر، به هیچ وجه مدعی نیست که می‌تواند همه‌ی عوامل دخیل در این فرایند طولانی و پیچیده را در قالب یک نوشتار کوتاه پوشش دهد؛ اما تلاش خواهد کرد تا اجزای مهمی از این پازل به هم ریخته را بر سر جای خود بنشاند.

مبارزه علیه ستم ملی

دفاع از حقوق کُردها و مبارزه علیه ستم ملی، از دیرباز توسط سوسیالیست‌ها و سازمان‌های کارگری ترکیه به پیش برده شده است؛ برای مثال دهه‌ها پیش از اعلام موجودیت احزاب کُردی، «حزب کارگر ترکیه» (TİP)^{۱۳} پرچم مبارزه علیه تبعیض کُردها را برافراشته بود و به همین اتهام نیز توقیف و منحل شد.

از دهه‌ی ۱۹۸۰ تاکنون، احزاب مختلف -از جمله «حزب خلق سوسیال‌دموکرات» (SHP)^{۱۴}، «حزب کار خلق» (HEP)^{۱۵}، «حزب دموکراسی» (DEP)^{۱۶}، «حزب دموکراسی خلق» (HADEP)^{۱۷}، «حزب جامعه‌ی دموکراتیک» (DTP)^{۱۸}، «حزب برابری و دموکراتیک خلق‌ها» (DEM)، «حزب برابری و دموکراسی خلق‌ها» (HDP) به اشکال مختلف برای رفع تبعیض‌های متنوع ملی، قومی، شهروندی، جنسیتی، عقیدتی و غیره مبارزه کرده‌اند؛ حتی تورگوت اوزال، هشتمین رئیس جمهور ترکیه بر لغو ستم جنسی و رفع تبعیض از کُردها اصرار داشت.^{۱۹} تمهیدات اوزال برای دموکراتیزه

کردن ترکیه به قدری جدی بود که پ.ک.ک تصمیم گرفت تا اعلام آتش‌بس کند (۱۷ مارس ۱۹۹۳).

با این توضیح می‌شود گفت که پ.ک.ک نخستین و تنهاترین مدافع حقوق شهروندی کردها نبود؛ ولی نقطه‌ی تمایز برجسته‌ی پ.ک.ک از سایر احزاب، گزینش مبارزه‌ی مسلحانه برای پایان دادن به ستم ملی بود. استدلال پ.ک.ک برای انتخاب این راه حل بر مبارزات بی‌نتیجه‌ی قانونی سایر احزاب سیاسی استوار بود. به عبارت بهتر، برای پ.ک.ک مبارزه‌ی مسلحانه، آن هم در کشوری که طبق قانون اساسی کردها از داشتن هرگونه تشکل و سازمانی محروم بودند و تحت تبعیض و محرومیت کامل به سر می‌بردند، یک ضرورت گریزناپذیر بود.

پ.ک.ک

مردم ترکیه در طول دهه‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۵۰، شاهد یک دیکتاتوری عنان‌گسیخته بود. در دهه‌ی ۱۹۶۰ اوضاع شروع به تغییر کرد. چندین گروه و نشریه‌ی زیرزمینی پا گرفتند که سرآغازگر دهه‌ی توفانی ۱۹۷۰ شدند. به جرأت می‌توان این دهه را یک دوره‌ی نیمه‌انقلابی در تاریخ ترکیه خواند. در پایان همین دهه نیز بود که از دل سازمان «جوانان انقلابی» (Dev Genc) که خود از «حزب کارگران ترکیه» (TIP) جدا شده بود، پ.ک.ک سربرآورد. نخستین کنگره‌ی پ.ک.ک در ۲۷ نوامبر ۱۹۷۸ در روستای فیس، واقع در شهرستان لیجه، در استان دیاربکر برگزار شد. رهبران پ.ک.ک با باور به تئوری جنگ خلق مائو و تئوری انقلاب دو مرحله‌ای (ابتدا انقلاب دموکراتیک سپس انقلاب سوسیالیستی) در برنامه‌ی خود نوشتند:

«از آن جایی که ستم ملی، تضاد اصلی است، بنابراین رفع این ستم،

نقش تعیین‌کننده را در حل و فصل سایر تضادهای اجتماعی ایفا می‌کند. تا

زمانی که ستم ملی حل نشده باقی بماند، هیچ راه‌حلی برای سایر تضادهای

اجتماعی قابل تصور نیست. از این رو اولین گام به سوی انقلاب در روستاها،

لزوماً باید خصیصه‌ی ملی داشته باشد.»^{۲۰}

مانیفست پ.ک.ک بر شش اصل عمده تأکید داشت: ۱- عصر حاضر در حال گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم و انقلاب پرولتری است ۲- کردستان یک مستعمره‌ی درون حکومتی است ۳- مبارزه‌ی آزادی‌بخش ملی یک وظیفه‌ی اجتناب‌ناپذیر برای نیل به آزادی و استقلال مردم کُرد است ۴- انقلاب کردستان باید یک انقلاب ملی و دموکراتیک باشد که در ادامه‌ی خود به انقلاب سوسیالیستی، و در یک فرایند انتقالی بدون وقفه، به یک جامعه‌ی بی طبقه و عاری از استثمار بینجامد ۵- هدف سیاسی انقلاب، تأسیس یک کردستان مستقل، متحد و دموکراتیک است ۶- انقلاب باید توسط حزب انقلابی پرولتاریا رهبری شود که بدو از اقلیتی از جوانان وطن‌پرست و روشنفکر تشکیل یافته که به روند تولید مادی وابسته نیستند.^{۲۱}

رهبری پ.ک.ک با عبدالله اوجلان بود. او در سال ۱۹۴۸ در منطقه‌ی کُردنشین ترکیه به دنیا آمد و در رشته‌ی علوم سیاسی از دانشگاه آنکارا فارغ‌التحصیل شد. در سی سالگی، هم‌زمان با اوج‌گیری جنبش‌های ضداستعماری در «جهان سوم»، مجذوب ایده‌های مارکسیست-لنینیستی شد که توسط بوروکراسی استالین تبلیغ و رهبری می‌شد.

پس از کودتای امریکایی ترکیه (۱۹۸۰) و اعلام ممنوعیت فعالیت سیاسی کلبه‌ی گروه‌های کمونیست و سوسیالیست در این کشور، اوجلان به سوریه پناهنده شد (همان سال). به دنبال امضای توافق‌نامه‌ی آدانا^{۲۲} میان ترکیه و سوریه، اوجلان از سوریه اخراج (۱۹۹۸) و برای درخواست پناهندگی به روسیه، ایتالیا و یونان رفت اما هیچ‌کدام با تقاضای او موافقت نکردند. پس به ناپروبی (کنیا) رفت و در سفارت یونان مخفی شد تا برای تقاضای پناهندگی از یک کشور افریقایی اقدام کند؛ اما محل اقامت و مسیر تردد او توسط «سازمان اطلاعات ترکیه» (MIT) کشف و در جریان یک عملیات پیچیده‌ی نظامی ربوده و به ترکیه منتقل و به جرم مبارزه‌ی مسلحانه علیه دولت ترکیه و اقدام به تحرکات تروریستی، به حبس ابد در زندان انفرادی در جزیره‌ی امرالی^{۲۳} محکوم شد.^{۲۴}

تاریخ پرفراز و فرود پ.ک.ک را می‌توان به چهار دوره تقسیم کرد: ۱- دوره‌ی اعتلا (۱۹۸۰-۱۹۹۸) که از وقوع کودتای نظامی در ترکیه و ورود اوجلان و اعضای پ.ک.ک به سوریه شروع شد و تا اخراج آنها از سوریه ادامه داشت ۲- دوره‌ی غافل‌گیری،

عقب‌نشینی، سردرگمی، انزوا که به دوره‌ی «انفعال یک‌جانبه» (unilateral inaction) معروف است (۱۹۹۹-۲۰۰۴) ۳- دوره‌ی بازگشت به صحنه‌ی سیاسی (۲۰۰۵-۲۰۰۹) ۴- دوره‌ی وداع با اسلحه (۲۰۰۹-۲۰۲۵)

پ.ک.ک در میان شکاف‌ها

الف - دوره‌ی اعتلا (۱۹۸۰-۱۹۹۸)

اوجالان: «پ.ک.ک به عنوان جنبشی تولد و توسعه یافت که بر پایه‌ی ایدئولوژی سوسیالیسم رئال و اصل حق تعیین سرنوشت ملل سازماندهی شده بود؛ استراتژی و تاکتیک مبارزه نیز بر همین اساس تنظیم شده بود. هدف اصلی، کردستان متحد و مستقل بود. ما این هدف را به عنوان اصول سوسیالیسم پذیرفته بودیم.»^{۲۵}

پ.ک.ک، در بستر «جنگ سرد» پا گرفت. این دوره با تنش‌ها و کشمکش‌های ایدئولوژیک-سیاسی، رقابت‌های نظامی-تسلحاتی-جاسوسی، مسابقات تأسیساتی-فضایی-هسته‌ای و نزاع بر سر محدودسازی دامن‌های نفوذ بلوک‌های رقیب همراه بود که گاه به بحران‌های شدید می‌انجامید (مثل تنش موشکی کوبا در سال ۱۹۶۲ یا جنگ ویتنام ۱۹۶۵-۱۹۷۳). یکی از اشکال این جدال، حمایت بلوک شرق از دولت‌های چپ‌گرا، جنبش‌های ضدامپریالیستی، استقلال‌طلبانه، رهایی‌بخش و مارکسیستی بود که به موازات حمایت‌های بلوک غرب از رژیم‌های راست‌گرا، جنبش‌های پروغرب و لیبرال صورت می‌گرفت.

پس از عضویت ترکیه در پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در سال ۱۹۵۲، نقش این کشور - که وارث فروپاشی امپراطوری عثمانی بود - و نیز مهم‌ترین پایگاه استراتژیک ناتو در خاورمیانه به حساب می‌آمد، در رقابت دو بلوک جهانی برجسته‌تر شد. از این پس رژیم ترکیه نه تنها می‌بایست فعالیت گروه‌های چپ‌گرای تحت‌الحمایه‌ی بلوک شرق را ممنوع می‌کرد، بلکه می‌بایست دامن‌های نفوذ این گرایش‌ها را در منطقه محدود

می‌ساخت. وقوع کودتاهای نظامی مکرر (۲۷ مه ۱۹۶۰، ۱۲ مارس ۱۹۷۱، ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰) تلاشی در همین راستا و به قصد اعمال کنترل نظامی بر ترکیه بود.

اعلام موجودیت پ.ک.ک، آن‌هم در چنین فضایی، و نیز با مواضع سوسیالیستی، ضدامپریالیستی، ضدامریکایی و ضدناتو، مسلماً برای دولت نظامی ترکیه قابل تحمل نبود. حمایت شوروی از پ.ک.ک نیز که ابزاری برای اعمال فشار دولت شوروی بر دولت ترکیه و ناتو بود، شرایط را برای پ.ک.ک سخت‌تر می‌کرد.

به دنبال کودتای سوم در ترکیه (۱۹۸۰)، قانون ممنوعیت فعالیت سازمان‌های کمونیستی و مسلح تصویب شد؛ پس اوجالان و بخش رهبری پ.ک.ک به سوریه مهاجرت کردند که در آن زمان تحت‌الحمایه‌ی شوروی بود. در آن‌جا پ.ک.ک نه تنها اجازه یافت تا آزادانه علیه دولت ترکیه فعالیت کند بلکه کمک گرفت تا «آکادمی نظامی-سیاسی محسوم کورکماز» را در دره‌ی بقاع (لبنان) — که آن‌زمان در کنترل سوریه بود — احداث نماید (۱۹۸۶) و به عملیات نظامی در خاک ترکیه دست بزند. البته این کمک‌ها مشروط به آن بودند که پ.ک.ک به هیچ اقدامی علیه امنیت دولت سوریه دست نزند و از تبلیغ سیاسی در بین کردها و کارگران سوری اکیداً خودداری ورزد؛ این در حالی بود که خواست تاسیس یک کردستان بزرگ و دفاع از حقوق کردهای هر چهار منطقه، در صدر اهداف پ.ک.ک قرار داشت!

پذیرش شروط دولت سوریه و شوروی، به پ.ک.ک این فرصت را داد تا در سال ۱۹۸۴، «ارتش آزادیبخش کردستان» ERNK و در سال ۱۹۸۵ «جبهه‌ی آزادیبخش ملی کردستان» HRK را تشکیل دهد و در قالب یک سازمان نظامی قدرتمند، به عملیات نظامی گسترده‌ای در خاک ترکیه دست بزند. دولت ترکیه در پاسخ به این اقدامات، عملیات موسوم به «زمین سوخته» را آغاز کرد. طی این عملیات صدها روستای مرزی (با عراق) به آتش کشیده شدند، ساکنان حدود ۲۵۰۰ روستا — تنها در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۰ — مجبور به کوچ اجباری شدند و بیش از ۴۰ هزار نفر جان باختند.^{۲۶}

نقد دوره‌ی نخست

پ.ک.ک در زمانی اعلام موجودیت کرد که ترکیه در جوشش انقلابی بود و سیر صنعتی‌شدن را با سرعت می‌پیمود و سرمایه‌های مالی و نیروی انسانی از مناطق

گردنشین به سوی مراکز صنعتی و شهرهای بزرگ در مهاجرت بودند. فقط از سال ۱۹۶۲ تا ۱۹۷۸، سهم محصولات کشاورزی در تولید ناخالص ملی از ۴۰ درصد به نصف کاهش یافت و موج صنعتی و پرولتریزه شدن جامعه، با ادغام کارگران گُرد و تُرک در مراکز شهری اوج گرفت. پ.ک.ک به جای اتکا بر این موج فزاینده‌ی اردوی کار در شهرها، تمرکزش را بر روستاها و حقوق اقلیت گُرد گذاشت و هیچ تلاش جدی‌ای برای کمک به سازمان‌یابی کارگران ترکیه انجام نداد.

به این معنی، مطالبه‌ی صرف بر تأسیس یک کردستان بزرگ و تمرکز بر حقوق کارگران و کشاورزان گُرد نه تنها از یک ضرورت مادی ناشی نمی‌شد بلکه خلاف جریان تاریخ بود. ثمره‌ی این موضع‌گیری، پس از فروپاشی بلوک شرق و قطع حمایت‌های سوریه و حزب دموکرات کردستان از پ.ک.ک به بار نشست: حزبی که نه به اردوی کار بلکه به قدرت‌ها و دولت‌ها تکیه کرده بود، منزوی شد!

مماشات با دولت سوریه - که در آن زمان متحد ایران بود- و بعدتر پذیرش شروط دولت شوروی برای دریافت کمک‌های تسلیحاتی و مالی و نیز اولویت دادن به مبارزه علیه ستم ملی - و نه مبارزه‌ی طبقاتی- سبب شد تا پ.ک.ک در همان دوره‌ی نخست فعالیتش از فهرست جریانات انقلابی و کارگری خط بخورد.

نکته‌ی دیگری که در قطع امید نیروهای انقلابی از اوجالان تأثیر داشت، مواضع او نسبت به پروژه‌ی امپریالیستی اسلام سیاسی بود که به سرعت در منطقه در حال رشد بود. اوجالان ۱۲ سال پس از روی کار آمدن ج.ا.ا و سه سال پس از رویدادهای تابستان ۱۳۶۷، در کتابش تحت عنوان «نگاه انقلابی به مسئله‌ی مذهب» (۱۹۹۱) به تحسین «آخوندهای انقلابی» حاکم بر ایران می‌پردازد و درباره‌ی رشد فاشیسم اسلامی در ترکیه چنین می‌نویسد:

اوجالان: «فاشیسم نظامی ترکیه... برای محدود کردن تأثیرات مثبت انقلاب ایران، به اسلام پناه می‌آورند... آن‌ها برای جلوگیری از بیداری خلق‌های اسلام به جای [ارجاع به] ذات اسلام، ابعاد ارتجاعی آن را می‌پذیرند... چیزی که در انقلاب اسلامی ایران دیده می‌شود مقاومت سنتی بر ضد فشار خارجی است... [انقلاب اسلامی] بار دیگر در تاریخ، هم بر ضد رژیم ارتجاعی عراق و هم بر علیه امپریالیسم کارکرد پیشرو داشته است.

هرچند که ظاهر او دینی (فرقه‌ای) است اما این انقلاب، شورشی است که منافع ملی خلق‌های ایران و به‌ویژه خلق فارس را پیش برده است... [آنها] به‌ویژه نشان داده‌اند که می‌شود از ایدئولوژی مذهبی بر ضد امپریالیسم و ارتجاع محلی یعنی سلطنت استفاده کرد. این‌ها درس‌های مثبتی هستند... از این‌ها درس گرفتن مهم است... باید [نقش] کلیه‌ی نهادهای دروغینی که تحت اسم اسلام هستند، از جمله طریقت‌ها، ملاهای ارتجاعی و سازمان‌های مشابه را بی‌تأثیر کرد و به جای آن احساسات اسلامی ضدکاپیتالیست و ضدامپریالیست خلق‌مان را و ارزش‌های اخلاقی اسلامی آن‌ها را همان‌طور که در نمونه‌ی انقلاب ایران دیده می‌شود... میان توده‌ها برد... نباید به گفتمان "مذهب و دولت از هم جدا است، سکولاریسم پیشرو است"... باور داشت. سکولاریسم در واقع نگرشی است که بنابه منافع غرب و صهیونیسم برای خاموش کردن رهایی ملی و طبقاتی خلق‌های خاورمیانه مورد استفاده قرار می‌گیرد».^{۲۷}

نکته‌ی برجسته‌ی دیگر دوره‌ی نخست، به بن‌بست رسیدن پ.ک.ک پس از فروپاشی شوروی بود.

اوجالان: «در اوایل دهه‌ی ۹۰، با فروپاشی سوسیالیسم رئال، پ.ک.ک زمینه‌ی ایدئولوژیک خود را از دست داد؛ زیرا... برنامه، استراتژی، تاکتیک و غیره آن بر اساس اصول سوسیالیسم رئال [سوسیالیسم استالینیستی] شکل گرفته بود. به این معنا، پ.ک.ک با دهه‌ی ۹۰ وارد یک بحران ایدئولوژیک شد... دوره‌ی بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ را از نظر ایدئولوژیکی با بحران سپری کردیم. در سال ۱۹۹۸ گفته بودم که "من از چنین حزبی استعفا می‌دهم." دلیل آن این بود که ما نتوانسته بودیم بر بحران ایدئولوژیک در حزب غلبه کنیم.»^{۲۸}

به‌دنبال فروپاشی شوروی (۱۹۹۱)، چنان ضربه‌ی مهیبی بر ذهنیت رهبری پ.ک.ک وارد شد که به یک چرخش بزرگ دست زد: لفاظی‌های مارکسیستی-لنینیستی-استالینیستی را کنار گذاشت و به‌جایش از لفاظی‌های ملی‌گرایانه، چپ‌گرایانه‌ی عام و حتی اسلامی استفاده کرد و مطالبه‌ی «خودمختاری فرهنگی» را

جایگزین ایده‌ی تشکیل کردستان مستقل کرد و خواستار مذاکره با رژیم ترکیه برای دستیابی به صلح شد. به علاوه کوشید تا مراتب تغییر خود را به اطلاع غربی‌ها برساند و نظر مساعدشان را جلب کند. این سیاست در مصاحبه‌ی پروفیسور میشل گانتز^{۲۹} با اوجالان که یک سال پیش از دستگیری او صورت گرفت، به خوبی قابل مشاهده است:

«من مرزهای فعلی ترکیه را می‌پذیرم. هیچ کس خواهان تجزیه کردن ترکیه نیست... من فقط خواهان مذاکره برای یافتن یک راه حل دموکراتیک برای این مبارزه‌ی بیست ساله هستم. ترک‌ها باید هویت کردی را بپذیرند و در قانون اساسی قید کنند که خلق‌های دیگری هم در ترکیه زندگی می‌کنند. آنها باید سیستم فدراتیو را بپذیرند؛ همان چیزی که در ایالات متحده، آلمان، بلژیک و سوئیس وجود دارد... اگر هویت کردها به رسمیت شناخته شود، ۷۰ درصد مسئله حل خواهد شد... برای ما مقدور نیست که کمونیست باقی بمانیم... ایالات متحده، نماینده‌ی پیشرفت است... اگر یک دولت فدراتیو (در ترکیه) تشکیل شود، ما خواهان اداری [کردستان] هستیم... بارزانی و طالبانی در حکم دست‌وپای کنگره‌ی ملی کردها KNC هستند اما من سر واقعی این بدن یا مغز آن هستم. ایالات متحده باید با من - با مغز - مذاکره کند. من ۲۵ سال تجربه دارم... امریکا قدرت بسیار بزرگ و یک کشور بسیار هدفمند است؛ اما اطلاعات مثبتی درباره‌ی ما ندارد... کردها همان چیزی را می‌خواهند که امریکا برای خودش می‌خواهد: دموکراسی و برابری. ما چیز دیگری نمی‌خواهیم... گفت‌وگو میان امریکا و کردها بسیار اهمیت دارد و باید تا دیر نشده آغاز شود...»^{۳۰}

جا دارد خاطرنشان شود که نخستین اقدام پ.ک.ک برای صلح و سازش با دولت ترکیه در همین دوره (۱۹۹۳)، یعنی در دوره‌ی ریاست جمهوری تورگوت اوزال صورت گرفت.

ب - دوره‌ی سکوت یک‌جانبه (۱۹۹۹-۲۰۰۴)

در دهه‌ی ۱۹۷۰، در بستر جنگ سرد، دو کشور ترکیه و سوریه به ترتیب به پایگاه‌های امریکا و شوروی بدل شدند. با بالاگرفتن تقابل این دو قدرت جهانی در منطقه‌ی خاورمیانه، تنش در روابط سوریه و ترکیه بالاگرفت. پذیرش اوجالان و

نیروهای پ.ک.ک به خاک سوریه، و صدور اجازه‌ی احداث «آکادمی نظامی-سیاسی محسوم کورکماز» (۱۹۸۶) بر دامنه‌ی تنش افزود.

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی (۱۹۹۱) و از دست رفتن بزرگ‌ترین پشتیبان سوریه، ترکیه و ناتو فرصت را غنیمت شمردند و بر فشار خود بر سوریه افزودند. ترکیه مسیر آب فرات به سوریه را بست و عملاً به سوریه اعلام جنگ داد. سوریه که در موضع ضعف بود به خواست‌های ترکیه تن داد و نهایتاً توافقنامه‌ی آدانا را امضا کرد (۱۹۹۸) که به موجب آن سوریه متعهد شد تا پ.ک.ک را به عنوان یک سازمان تروریستی به رسمیت بشناسد، دستور تعطیلی «آکادمی نظامی-سیاسی محسوم کورکماز» را صادر کند، اوجالان و اعضای پ.ک.ک از سوریه اخراج نماید و به ارتش ترکیه این اجازه را بدهد تا در زمان مقتضی در یک منطقه‌ی حائل پنج تا ده کیلومتری در داخل سوریه به تحرک نظامی علیه پ.ک.ک دست بزند.

به دنبال این حوادث، بسیاری از اعضا و هواداران پ.ک.ک در سوریه دستگیر و به حبس ابد یا زندان‌های طویل‌المدت محکوم شدند و حدود ۳۰۰ هزار تن از شهروندان کرد، از حق شهروندی سوریه محروم گشتند که معنای عملی آن محرومیت از حق مالکیت بر زمین، حق تحصیل رایگان، حق استفاده از خدمات بهداشت عمومی، حق داشتن گذرنامه، و حق استخدام در بخش‌های دولتی و عمومی بود.^{۳۱}

از دست رفتن حمایت شوروی، اخراج از سوریه، دستگیری اوجالان (۱۹۹۹) و حملات مکرر ترکیه به مراکز و فعالان پ.ک.ک یک راه پیش پای رهبری پ.ک.ک گذاشت: انتقال مقرها به کوه‌های قندیل -از رشته‌های زاگرس در مرز ایران و عراق- که در قلمرو اقلیم کردستان، زیر نفوذ «حزب دمکرات کردستان عراق» KDP به رهبری مسعود بارزانی قرار داشت.

حزب دمکرات کردستان عراق که خود را حاکم قانونی منطقه‌ی قندیل می‌دانست و روابط خوبی با ج.ا.ا و ترکیه داشت^{۳۲} از بیم آن که این روابط تیره شوند شروع به مخالفت علیه حضور پ.ک.ک در منطقه کرد که این شروعی بر پاگیری تنش و حتی درگیری نظامی میان این دو حزب بود.

ج.ا.ا که در گذشته روابط خوبی با پ.ک.ک داشت،^{۳۳} نسبت به استقرار مقرهای نظامی این حزب در قندیل نوعی سکوت یا تحمل تاکتیکی را برگزید. اما پس از ظهور

«حزب حیات آزاد کردستان»، پژاک، (۲۰۰۴) و انجام عملیات نظامی در خاک ایران، این رابطه به سردی گرایید.

نقد دوره‌ی دوم

دستگیری اوجالان، پ.ک.ک را به یک بحران عمیق فروبرد؛ پس آتش بس یک‌جانبه اعلام کرد که پنج سال (۱۹۹۹ تا ۲۰۰۴) ادامه داشت؛ نیروهایش را از مرزهای ترکیه دور کرد و در چند مورد سلاح‌ها را به ارتش ترکیه تحویل داد. هم‌زمان پ.ک.ک کوشید تا با تغییر مکرر نام^{۳۴} در شمال یک حزب دموکراتیک، سرب‌راه و بی‌خطر ظاهر شود و به نحوی از انحاء خود را از فهرست سازمان‌های تروریستی خارج کند و مقبول غرب سازد؛ غافل از آن‌که کسب مقبولیت غرب در گرو تأمین منافعش است! تحلیل اوجالان از این دوره بر این برداشت مهر تایید زد که گویا بند ناف پ.ک.ک به شوروی بسته بوده و با فروپاشی آن مصرف پ.ک.ک سپری شده‌است.

ج- بازگشت به صحنه‌ی سیاسی (۲۰۰۴-۲۰۰۹)

اوجالان: «ما برای غلبه بر مدرنیته و سوسیالیسم رئال که به آن خدمت می‌کند، سعی کردیم یک تحلیل جدید و یک نظریه‌ی سوسیالیستی جایگزین توسعه دهیم. نام آن را مدرنیته‌ی دموکراتیک گذاشتیم. ما به جای سه پایه‌ی مدرنیته، یعنی دولت-ملت، سرمایه‌داری و صنعت‌گرایی، تحلیل‌های ملت دموکراتیک، کمون و اقتصاد اکولوژیک را توسعه دادیم... چشم‌انداز دوره‌ی جدید ما، بازسازی جامعه بر اساس ملت دموکراتیک، اقتصاد اکولوژیک و کمونالیسم است...»^{۳۵}

سال‌های زندان اوجالان با چرخش‌های ایدئولوژیک تندتیز همراه شد. در سال ۲۰۰۲ پ.ک.ک رسماً اعلام کرد که دیگر یک حزب مارکسیست-لنینیست نیست. پیامد این تصمیم، حذف پرچم سرخ و نمادهای داس و چکش و فاصله‌گرفتن از ادبیات حزبی یود.

در سال ۲۰۰۴ «نیروی مدافع خلق» (HPG)^{۳۶} که در سال ۲۰۰۰، در کنگره‌ی هفتم پ.ک.ک جایگزین شاخه‌ی نظامی پیشین -یعنی ARGK (۱۹۸۴-۲۰۰۰) شده بود، پایان آتش‌بس را اعلام داشت و وظیفه‌اش را مبارزه‌ی مسلحانه‌ی مقاومتی-تدافعی و نه مبارزه‌ی مسلحانه‌ی تهاجمی تعریف کرد. در همین سال «یگان‌های زنان آزاد - استار» (Yekîneyên Jinên Azad ên Star) تأسیس شد. تأسیس این یگان الهام‌بخش تشکیل YPG / YPJ - یگان‌های مدافع خلق / زنان در سوریه شد (۲۰۱۱ و ۲۰۱۳). این دو یگان در عملیات ضد داعش (۲۰۱۴) -در رقه و دیرالزور- به عنوان متحدان نیروهای امریکایی شرکت داشتند.

گفتنی است که در همین سال «حزب حیات آزاد کردستان» PJAK در ایران اعلام موجودیت کرد. شاخه‌ی نظامی پژاک، YRK (یگان‌های مدافع شرق کردستان) نام دارد و اسم شاخه‌ی زنانه آن HPJ (نیروهای مدافع زنان شرق کردستان) است. در سال ۲۰۰۵ اوجالان نوشته‌ی معروف خود را با عنوان «کنفدرالیسم دموکراتیک» منتشر کرد و با آن بر ایده‌ی ملت-دولت‌سازی، تمرکزگرایی، برپایی سوسیالیسم و کلیه‌ی باورهای پیشین خود خط بطلان کشید و یک «مانیفست جدید» برای یک جنبش پسایدئولوژیکِ چپ نویی ارائه کرد. او ضمن نفی مبارزه‌ی مسلحانه، به طرفداری از نافرمانی مدنی، اخلاقیات مذهبی، دموکراسی غربی، آشتی طبقاتی و خودگردانی دموکراتیک پرداخت.^{۳۷}

به‌طور خلاصه می‌توان گفت که فعالیت‌های این دوره‌ی پ.ک.ک به بازسازی ایدئولوژیک و سازمانی خود به‌منظور آماده‌ساختن حزب برای ورود مجدد به صحنه‌ی سیاسی گذشت؛ با الهام از آموزه‌های جدید آپو، آن هم با تبلیغاتِ تهییجی گسترده. در ادامه‌ی همین روند نیز بود که تشکلهای و احزاب به‌ظاهر مستقل در مناطق مختلفِ کردستان بزرگ اعلام موجودیت کردند.^{۳۸}

نقد دوره‌ی سوم

ناسیونالیست‌های رنگارنگی که زیر پرچم جنبش‌های «رهایی‌بخش» و «استقلال‌طلب» قایم شده بودند و تحت پوشش «حق ملل» و «خودمختاری» مورد

حمایت بلوک شرق قرار داشتند، پس از فروپاشی شوروی چاره‌ای ندیدند تا با مواضع نظری و سیاسی خود بدورد بگویند و مبلغ مواضع پسامدرنیستی شوند؛ یعنی علیه مارکسیسم و مبارزه‌ی طبقاتی قلم‌فرسایی کنند و در ستایش بازار آزاد و دموکراسی لیبرال بنویسند. اوجالان هم چنین کرد. او در خلوت خود، در زندان امرالی، شروع به بازنگری انتقادی باورهای حزبی‌اش کرد. به ستایش دیپلماسی و نقد مبارزه‌ی مسلحانه پرداخت و ضمن ضدیت صوری با کاپیتالیسم،^{۳۹} به دفاع جانانه از دموکراسی غربی پرداخت و با قلم‌فرسایی پیرامون حقوق زنان، محیط زیست و کمونالیسم کوشید تا توجه و حمایت جنبش‌های چپ، فمینیستی، آنارشستی و دموکراتیکی را به‌خود جلب کند که به دیپلماسی و مبارزه‌ی سیاسی قانونی باور داشتند.

این رویکرد اگرچه در بدو امر موفق بود و حمایت بخشی از متوهمان را به دنبال آورد، اما خیلی زود بی‌اعتبار شد. پنهان شدن اوجالان در پشت نام «موری بوکچین»^{۴۰} و انتشار کتاب‌ها و یادداشت‌های فراوان پیرامون برابری جنسیتی^{۴۱} و غیره، نتوانست باورهای عقب‌مانده اوجالان را پنهان نگاه دارد.

اوجالان در سلسله نوشتارهای خود رابطه‌ی ستم‌کشی زن با مالکیت خصوصی را منتفی دانست و شکل‌گیری پدرسالاری و نزول زن به مرتبه‌ی فرودست را با «قدرت» گرفتن مرد شکارچی و جنگجو و فریب «ایزدبانو» توسط «آ یا نا» — مرد اسطوره‌ای داستان گیلگمش — توضیح داد^{۴۲} پس برای به‌زیرکشیدن «قدرت» که عالی‌ترین شکل آن در کاپیتالیسم بروز یافته^{۴۳} باید علیه «زندگی مدرن و تهوع‌آور» شورید^{۴۴} و به مدرنیته پشت کرد^{۴۵} و دانایی را برای نیل به آزادی کافی دانست^{۴۶} و رهایی از کاپیتالیسم را به اخلاق و سیاست واگذار کرد.^{۴۷}

مخالفت اوجالان با صنعت، مدرنیته، شهرنشینی و همه‌ی دستاورهای عصر حاضر، آن‌هم به این دلیل که فرهنگ پانزده‌هزار ساله‌ی سومری را به نابودی کشانده، مسلماً نمی‌توانست از حمایت گرایش‌های ترقی‌خواه، مدرن، سوسیالیست و انقلابی برخوردار شود. آنها هم‌چون آپو تحقق یک زندگی ایده‌آل را در گرو غنای معنوی، قدرت‌پرهیزی، روستاپناهی، صنعت‌گریزی و مدرنیسم‌ستیزی جستجو نمی‌کردند!^{۴۸}

برداشت اوجالان از سوسیالیسم نیز تأمل‌برانگیز بود. او سوسیالیسم را یک نظام اقتصادی-سیاسی-اجتماعی معرفی نکرد و تحقق آن را به رشد نیروهای مادی و

تولیدی، آگاهی طبقاتی و ... خلاصه مبارزه‌ی اجتماعی حواله نداد؛ برعکس، آن را یک آرمان و ایده‌ی متعالی تصور کرد که حتی در روستاهای کردستان، در چارچوب کاپیتالیسم تحقق‌پذیر است! در نگاه او سوسیالیسم همانا یک جامعه‌ی عاری از ستم، تبعیض و سرکوب تصویر شد که بر اصول اکولوژی و کمونالیسم استوار بود! از همین رو در برنامه‌ی سیاسی او جالان هیچ اثری از مطالبات سوسیالیستی مثل الغای مالکیت خصوصی و انحصاری بر وسایل تولید، لغو کار مزدی، الغای مناسبات کاپیتالیستی، اضمحلال طبقات اجتماعی و غیره دیده نمی‌شود. پس پُر بی‌راهه نیست که سوسیالیسم او جالان را پیشامارکسی - یا اتوپیستی و آرمان‌شهری - بخوانیم یا آن را از جنس ایده‌های پوپولیستی نارودنیک‌های روسی بدانیم!

آن‌چه که این دوره را برجسته می‌کند، اتخاذ مواضع پسامدرنیستی - پساچنگ سردی او جالان و همکاری نظامی - تسلیجاتی - تدارکاتی نیروهای پ.ک.ک با ارتش امریکا است؛ یعنی ارتش همان دولت امپریالیستی که از سال ۱۹۹۷ مهر تروریسم را بر پیشانی پ.ک.ک زد، نقش اطلاعاتی اصلی را در دستگیری او جالان ایفا کرد، اطلاعات و تجهیزات شناسایی - جاسوسی لازم برای تعقیب و سرکوب تحرکات نظامی - سیاسی پ.ک.ک را در اختیار دولت ترکیه گذاشت و ...!

د- دوره‌ی وداع با اسلحه (۲۰۰۹-۲۰۲۵)

او جالان: « مسئله پایان دادن به فعالیت‌ها تحت نام پ.ک.ک برای ما یک دستورکار جدید نیست... ما از یک دگرگونی ریشه‌ای شخصیت و ذهنیت صحبت می‌کنیم... همان‌طور که گفتیم، مدت‌هاست که کار تحول‌آفرینی آغاز شده است... آخرین فراخوان ما، فراخوان صلح و جامعه‌ی دموکراتیک بود. این‌که این اعلامیه با اجازه‌ی دولت جمهوری ترکیه صورت می‌گیرد، جالب و مهم است. زیرا صلح تنها با دولتی که در برابر آن مبارزه می‌کنید، ممکن است. جامعه‌ی دموکراتیک را می‌توان در گفت‌وگو با این دولت بنا کرد. این را مصالحه‌ی دموکراتیک می‌نامند. در فراخوان ما نیز این وجود داشت.»^{۴۹}

در ۲۰۰۹ «حزب عدالت و توسعه» پروژه‌ی موسوم به «اتحاد ملی و برادری» (National Unity and Brotherhood Project) را به مرحله‌ی اجرا گذاشت که دستاورد آن مذاکرات پنهانی با اوجالان در امرالی و نشست نمایندگان پ.ک.ک با نمایندگان دولت ترکیه در اسلو بود. این مذاکرات که تا سال ۲۰۱۱ ادامه یافتند به «مذاکرات اسلو» (Oslo Talks) معروف شدند.

در سال ۲۰۱۱ «حزب حیات آزاد کردستان» (پژاک) با ج.ا.ا آتش‌بس اعلام کرد که تا سال ۲۰۱۷ دوام داشت. با شروع حملات پهلپادی و توپخانه‌ای ج.ا.ا به مقرهای پژاک، آتش‌بس عملاً منتفی شد و به صورت درگیری‌های پراکنده ادامه پیدا کرد.

در دسامبر ۲۰۱۲، رجب طیب اردوغان، نخست وزیر وقت ترکیه، علناً اعلام کرد که مذاکراتی با اوجالان در امرالی در جریان است. از اوایل ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵، نمایندگان دولت ترکیه با هیئت نمایندگی پ.ک.ک گفت‌وگوهای مفصلی را انجام دادند که «فرایند راه‌حلی» (solution process) نام‌گذاری شدند.

در ۲۱ مارس ۲۰۱۳، پیام نوروزی اوجالان -در اوج ناباوری- به اطلاع عموم رسانده شد.^{۵۰}

در سال ۲۰۱۴، قانونی تصویب شد که به مجلس ملی ترکیه (TBMM) این امکان را داد تا «کمیسیون راه‌حلی» را تأسیس و «کمیته‌ی خردمندان» (Wise People Committee) را راه‌اندازی کند.

در ۲۸ فوریه ۲۰۱۵، هیئت نمایندگی پ.ک.ک و نمایندگان «حزب عدالت و توسعه» یک کنفرانس مطبوعاتی مشترک در کاخ دلباباچه برگزار کردند که در آن یک بیانیه‌ی ۱۰ ماده‌ای قرائت شد که در آن اوجالان از پ.ک.ک خواسته بود تا در بهار پیش‌رو کنگره‌ی فوق‌العاده‌ای -به‌منظور تصمیم‌گیری پیرامون خلع سلاح- برگزار کند.

در ۲۲ اکتبر ۲۰۲۴ دولت باحچلی به اوجالان پیشنهاد داد که پ.ک.ک را منحل کند.

در ۲۷ فوریه ۲۰۲۵ نامه‌ای به قلم اوجالان منتشر شد که در آن بر خاتمه‌ی مبارزه‌ی مسلحانه تصریح شده بود.

در ۱۲ آوریل ۲۰۲۵، دو عضو از هیئت اعزامی به امرالی - پروین بولدان و ثریا آندر (از اعضای حزب DEM) - در کاخ ریاست جمهوری با اردوغان دیدار کردند.

در ۱۲ مه ۲۰۲۵ فراخوان تاریخی اوجالان دال بر انحلال حزب پ.ک.ک و پایان بخشی به مبارزه‌ی مسلحانه منتشر شد. پیامد این خبر برگزاری کنگره‌ی دوازدهم پ.ک.ک، انتشار بیانیه‌ی اعلام انحلال، به آتش کشیدن نمادین اسلحه و ... بود که پیش تر شرح‌شان رفت.

نقدی بر دوره‌ی چهارم

اوجالان اعلام کرد که ادعای تاسیس دولت-ملت گردی ندارد؛ آنچه می‌خواهد پایان دادن به آزار گُردها، احقاق حقوق دموکراتیک و امکان مشارکت آنها در حیات سیاسی و اجتماعی ترکیه است.

اوجالان مدعی شد که دوره‌ی انکار هویت و موجودیت گُرد توسط دولت ترکیه سپری شده و در عرصه‌ی آزادی‌های بیان در ترکیه توفیقاتی حاصل گردیده است. حال آن‌که واقعیات خلاف این را نشان می‌دهند! ترکیه و سایر دولت‌های حاکم بر خاورمیانه، عمیقاً استبدادی و توتالیتر هستند. آنها نه تنها حق تشکل و فعالیت آزاد سیاسی را باز نمی‌تابند، بلکه از به رسمیت شناختن حقوق شهروندی، مدنی و انسانی آحاد، اقوام و گروه‌های متنوع اجتماعی امتناع می‌ورزند و دائماً در حال شکار نه تنها فعالان سیاسی متحزب، بلکه دگراندیشان، فعالان صنفی، زیست-محیطی و مدنی هستند!^{۵۱} چطور می‌شود برخورد بی‌رحمانه‌ی دولت ترکیه با خود اوجالان را -در بیش از دو دهه- توفیقی در عرصه‌ی آزادی بیان در ترکیه توصیف کرد؟! چطور می‌شود حکم زندان ۴۲ ساله‌ی صلاح‌الدین میرتاش^{۵۲} رهبر سابق حزب HDP و احکام سنگین بسیاری دیگر^{۵۳} را رفرم جلوه داد؟! آن هم رهبر حزبی که در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۵، ۱۳٪ آراء را کسب کرد و به سومین گروه پارلمانی ترکیه تبدیل شد؟! آیا حدود ۵۰۰۰ زندانی فعلی احزاب HDP و DEM نیز با اوجالان هم‌نظر هستند؟

آخر چطور می‌شود از دیپلماسی و کارآیی راه کارهای قانونی در ترکیه‌ای سخن گفت که شهردار استانبول و رهبر حزب جمهوری‌خواه خلق CHP و مهم‌ترین رقیب

انتخاباتی اردوغان -اکرم امام‌اوغلو- به اتهام واهی فساد دستگیر و راهی زندان می‌شود و یا دو شهردار دیگر CHP (در مناطق اسنیورت و شیشلی استانبول) به اتهام همکاری با «حزب دموکراتیک خلق‌ها» DEM برکنار و بازداشت می‌شوند؟

چطور می‌شود ادعا کرد که هویت‌گردی در ترکیه‌ی امروز به رسمیت شناخته، حال آن‌که موقعیت اقتصادی و اجتماعی‌گردها در مقایسه با گذشته، در عرصه‌هایی به مراتب بدتر شده‌است؟! محض اطلاع باید گفت طبق بررسی سال ۲۰۱۶ TÜİK، استان‌های عمدتاً‌گردنشین جزو فقیرترین استان‌های کشور هستند و درآمد روزانه هر خانوار در این مناطق حدود ۷ تا ۸ دلار تخمین زده شده که به شدت کمتر از میانگین ملی است. ۵۴٪ در برخی محله‌های فقیرنشین مانند حاشیه‌های دیاربکر، نرخ بیکاری بالغ بر ۷۰٪ گزارش شده است. ۵۵٪ حدود ۲۴٪ از‌گردهای روستایی بی‌سوادند یعنی یک‌سوم‌گردهای روستا حتی ابتدایی هم فرانگرفته‌اند.^{۹۶}

اوجالان از نفی مبارزه‌ی مسلحانه سخن می‌گوید، غافل از آن‌که مبارزه‌ی مسلحانه ادامه‌ی مبارزه‌ی سیاسی است؛ اما به شکل دیگر و با ابزاری دیگر. در باور اوجالان مبارزه‌ی مسلحانه نقطه‌ی مقابل مبارزه‌ی سیاسی است! حال آن‌که مبارزه‌ی مسلحانه برای دفاع از حقوق انسانی و دستاوردهای اجتماعی در برابر تهاجمات نظامی یک رژیم فاشیستی تا به دندان مسلح، اجتناب‌ناپذیر است. این مبارزه نه تنها مطرود نیست بلکه کاملاً موجه و به حق است. نفی مبارزه‌ی مسلحانه و قراردادن آن در قطب متضاد مبارزه‌ی سیاسی، و به‌آتش کشیدن نمادین سلاح، عملاً به معنای انکار حق دفاع مسلحانه‌ی توده‌ها از خود در برابر ارتش‌های سرکوب‌گر دولت‌هاست. اوجالان و رهبری پ.ک.ک فراموش می‌کند که توده‌ها و جنبش‌ها به آن دلیل به مبارزه‌ی مسلحانه روی می‌آورند که نه تنها هیچ راهی برای پیشبرد مطالبات سیاسی و مدنی خود باز نمی‌بینند، بلکه کوچک‌ترین مطالبات حق خواهانه‌شان را با شدیدترین سرکوب‌ها پاسخ می‌گیرند. اوجالان و پ.ک.ک اجازه ندارند تا سازش با دولت فاشیستی ترکیه و دیکتاتور اردوغان را در قالب افاضاتی مثل «مبارزه‌ی مسلحانه، مبارزه‌ی سیاسی نیست»، «مبارزه‌ی مسلحانه سدّ راه مبارزات دموکراتیک است» و غیره توجیه کنند. دولت ترکیه -همانند هر دولت فاشیست دیگری در منطقه- چیزی به جز ابزار سرکوب طبقه‌ی حاکم علیه سایر طبقات نیست و هرگونه سازشی با آن محکوم است؛ به‌ویژه با دولت اردوغان!

جالب‌تر از همه این است که اوجالان این ایده‌ها را زمانی صورت‌بندی و عرضه می‌کند که نیروهای طرف‌دارش از مبارزه‌ی مسلحانه علیه داعش عمیقاً به‌خود می‌بالند! متأسفانه گفتنی درباره‌ی پیام نهایی اوجالان و کنگره‌ی دوازدهم پ.ک.ک زیاد است و صفحات این نوشتار محدود. اما نمی‌شود بدون اشاره به خبری که کم‌تر از دو هفته پس از انتشار فراخوان اوجالان منتشر شد، بحث حاضر را ببندیم.

خبر این بود که دولت اسلامیت سوریه - به ریاست احمد الشرع - در ۱۰ مارس توافق‌نامه‌ای را با «نیروهای دموکراتیک سوریه» - به فرماندهی مظلوم عبدی - با میانجی‌گری ایالات متحده، فرانسه و آلمان در دمشق به امضا رسانده است. بنا به این توافق‌نامه‌ی هشت ماده‌ای، قرار است کلیه‌ی نهادهای مدنی و نظامی اداره‌ی خودگردان شمال و شرق سوریه (AANES)، تا پایان سال، در ساختار دولت مرکزی ادغام شوند! البته در همین روزها این خبر منتشر شد که یک مهلت سی روزه برای این ادغام داده شده‌است!^{۵۷} ظاهراً نقطه‌ی پایان گذاشتن به پروژه‌ی «کنفدرالیسم دموکراتیک» مشهور به روژاوا، پیامد انحلال پ.ک.ک است!

جمع‌بندی

- مواضع سیاسی و عمل‌کرد تاریخی پ.ک.ک در دوره‌های مختلف حیات آن نسبت به سیر انکشاف کاپیتالیسم، گذار ترکیه از امپراتوری عثمانی به مدرنیته‌ی بورژوازی، رشد شهرنشینی، مسئله‌ی استخراج نفت،^{۵۸} روند انباشت سرمایه، جدال طبقاتی، رقابت انحصارات مالی در جهان دوقطبی - و معادلات، معاملات و زدووبندهای قدرت‌های سیاسی - نظامی و مطامع امپریالیستی - صهیونیستی و رشد اسلام‌گرایی در خاورمیانه بی‌اعتنا بوده است.

- بحران‌های ایدئولوژیک دوره‌ای و پیاپی پ.ک.ک بیش از آن که ریشه در واقعیات بیرونی داشته باشند از ذهن اوجالان نشأت گرفته بودند. او با ایده‌آل‌های مارکسیستی - لنینیستی - استالینیستی - مائوئیستی - با مایه‌های ناسیونالیستی - مبارزه را شروع کرد و در دنیای ذهنی و کندوکاش فکری

خود - در زندان - به نوعی کلکتیویسم کمونالیستی - کنفدرالیستی رسید. روند حوادث این حقیقت را بار دیگر تأیید کرد که پ.ک.ک یعنی اوجالان! حتی علی‌رغم دور بودن ۲۶ ساله‌اش از حزب، فعالیت تشکیلاتی و سوخت‌وساز اجتماعی، باز اوست که سکان را در دست دارد و حزب را به این سو و آن سو می‌کشد.

- پ.ک.ک نه امروز بلکه بیش از دو دهه پیش به بن‌بست رسیده بود:

اوجالان: «... در سال ۱۹۹۸ گفته بودم که من از چنین حزبی استعفا می‌دهم. دلیل آن این بود که ما نتوانسته بودیم بر بحران ایدئولوژیک در حزب غلبه کنیم»^{۵۹}

- پ.ک.ک در طول دوره‌های مختلف حیاتش، بیش از آن که به اردوی کار تکیه کند، به دولت‌ها تکیه کرده و همواره در شکاف‌های ایجاد شده میان منافع دولت‌ها نشو و نما کرده بود؛ هزینه‌اش را نیز پرداخت! عاقبت مامشات با دولت‌های شوروی، سوریه، عراق، ج.ا.ا، اقلیم کردستان و امریکا جز این نمی‌توانست باشد.

- مبارزه علیه ستم جنسی و بی‌حقوقی کردها با پ.ک.ک آغاز نشد و با انحلال این حزب خاتمه نمی‌یابد.

- فراهوان‌های اوجالان از صلح، آشتی ملی، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و غیره موج می‌زنند؛ غافل از این که در یک ساختار طبقاتی - کاپیتالیستی - فاشیستی، تحقق چنین آمالی محال است. انتظار احترام و رعایت حقوق فردی و اجتماعی شهروندان از دولت ترکیه خیال‌پردازی است!

- مذاکرات نهان و آشکار اوجالان و هیئت نمایندگی پ.ک.ک با دولت ترکیه، به یک رقص دو نفره‌ی نفرت‌انگیز شبیه است! اوجالان، چهره‌ی دولت فاشیستی ترکیه را بزک می‌کند و دولت ترکیه نیز از کسی که یک «تروریست دهشتناک» می‌خواند، قهرمان صلح می‌سازد! اما آنچه که در پشت این بالماسکه پنهان است گرنش سیاسی آپو به درگاه دولت فاشیستی ترکیه است.

^۱ Partiya Karkeren Kurdistan

^۲ رهبر حزب راست‌گرای افراطی Milliyyetçi Hareket Partisi در سال ۲۰۰۷ خواستار اعدام اوجلان شده بود. ده سال پیش نیز، وقتی زمزمه‌ی مذاکره‌ی دولت ترکیه با پ.ک.ک مطرح شد، شدیداً با آن مخالفت کرد. اما در اکتبر سال گذشته، این چرخش تاریخی را از خود نشان داد.

^۳ Halkların Demokratik Partisi

که از ایده‌های اوجلان الهام گرفته و می‌گیرد موفق شد تا در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۵، با کسب ۱۳٪ آرا، به سومین گروه پارلمانی ترکیه تبدیل شود. اما حدود یک‌سال بعد، حکم جلب تعداد زیادی از اعضای حزب به جرم شرکت در فعالیت‌های تروریستی صادر شد. به دنبال این اتهام، از ادامه‌ی فعالیت نمایندگان پارلمانی این حزب جلوگیری شد، تابعیت ترکی‌شان لغو و دبیر اول حزب — صلاح‌الدین دمیرتاش — دستگیر و زندانی شد. بنا به آخرین خبرها، هنوز صدها تن از اعضا و هواداران این حزب در زندان به سر می‌برند.

^۴ به نقل از بی.بی.سی فارسی ۹ ژوئیه ۲۰۲۵

^۵ ثریا اوند، نایب‌رئیس پارلمان ترکیه، و پروین بولدان که هر دو از اعضای حزب «برابری و دموکراسی خلق‌ها» بودند در دیدار دسامبر ۲۰۲۴ شرکت داشتند. به نقل از بی.بی.سی، ۲۸ دسامبر ۲۰۲۴. ثریا اوند در ۳ مه ۲۰۲۵ درگذشت.

^۶ ره‌نمود رهبر آپو به دوازدهمین کنگره پ.ک.ک

^۷ فیلم و متن فراخوان رسمی اوجلان به «گذار داوطلبانه از مبارزه‌ی مسلحانه به سیاست دموکراتیک و

حقوق»

^۸ متن کامل بیانیه PKK بعد از اعلام انحلال

^۹ خلع سلاح نمادین پ.ک.ک؛ آغاز صلح یا تکرار تاریخ؟ دویچه وله.

^{۱۰} انتخاب این محل به‌خاطر اهمیت تاریخی و سیاسی دیرینه‌ی آن بود: در سال ۱۹۲۳، در طول حملات بریتانیا، این غار به‌عنوان پناهگاه و پایگاه فرماندهی مورد استفاده قرار گرفته بود. در همان سال، غار یسنا به‌مثابه چاپ‌خانه‌ی مخفی اولین روزنامه‌ی انقلابی کُردی به نام بانگ حق یا ندای حقیقت Bangî Haq استفاده شد که توسط احمد خواجه پایه‌گذاری شده بود.

^{۱۱} برای آشنایی با تاریخ پر فراز و فرود کُردها می‌توانید به فصول نخستین کتاب کردهای سوریه ملت فراموش شده مراجعه کنید.

^{۱۲} مقاله‌ی «رودی حویان» در بردارنده‌ی اطلاعات مفیدی در باره‌ی سازمان‌های سیاسی کُردی است.

Rodi Hevian, THE MAIN KURDISH POLITICAL PARTIES IN IRAN, IRAQ, SYRIA, AND TURKEY: A RESEARCH GUIDE, 2013

^{۱۳} در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ قرن بیستم، به‌دنبال توسعه‌ی صنعتی در ترکیه، اعتصابات و اعتراضات کارگری نیز بالاگرفتند که نقطه‌ی اوج‌شان بین سال‌ها ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۱ بود. در این دوره، ترکیه شاهد رشد چشم‌گیر گرایش‌های سوسیالیستی در میان کارگران و دانشجویان بود. در ۱۳ فوریه ۱۹۶۱، TIP (Türkiye İşçi Partisi) به عنوان نخستین حزب سوسیالیستی ترکیه، توسط تعدادی از اعضای اتحادیه‌های کارگری و به رهبری محمد علی آیار تأسیس شد. با پیوستن روشنفکران ترکیه — از جمله چتین آلتان، عزیز نسین و یاشار کمال — به محبوبیت آن افزوده شد. این حزب در سال ۱۹۶۵ در انتخابات شرکت کرد و ۱۵ نماینده به مجلس ملی فرستاد که ۴ نفر آنها گرد بودند. در سال ۱۹۶۹ بهیجه بوران رهبری آن‌را به‌دست گرفت. این نخستین زن بود که به رهبری یک حزب سیاسی انتخاب می‌شد. پس از کودتای (۱۹۷۱) فعالیت حزب ممنوع اعلام شد و بهیجه بوران و سایر رهبران حزب دستگیر و به حبس‌های طولانی (۱۲ تا ۱۵ سال) محکوم شدند. نمایندگان حزب در پارلمان نیز ۸ سال حبس گرفتند. به دنبال اعلام عفو عمومی (۱۹۷۴) همگی اینان آزاد شدند و مجدداً حزب کارگران ترکیه را راهاندازی کردند. پس از کودتای بعدی ترکیه (۱۹۸۰) بار دیگر فعالیت حزب ممنوع شد. بهیجه بوران به اروپا مهاجرت کرد و حزب فعالیت خود را به صورت مخفی ادامه داد. در سال ۱۹۸۷ این حزب در حزب کمونیست ترکیه ادغام شد. و حزب جدیدی به نام «حزب کمونیست متحد ترکیه» را تشکیل دادند. «حزب کارگران ترکیه» (TIP) و سازمان «جوانان انقلابی» (Dev Genc) نخستین احزابی بودند که به ستم ملی علیه کردها اعتراض کردند و به همین دلیل بسیاری از اعضای‌شان گرد بودند. جا دارد گفته شود که کردها اجازه‌ی تأسیس حزب نداشتند.

^{۱۴} حزب خلق سوسیال دموکرات (SHP) یک حزب سیاسی سوسیال دموکرات در ترکیه بود که در سال ۱۹۸۵ تأسیس شد و در سال ۱۹۹۵ با «حزب جمهوری‌خواه خلق» (CHP) ادغام شد. این حزب در سال‌های اولیه‌ی فعالیت خود، نقش مهمی در صحنه سیاسی ترکیه ایفا کرد و به‌عنوان یک نیروی چپ میانه در برابر حزب حاکم وقت، حزب راه راست، عمل می‌کرد.

^{۱۵} «حزب کار خلق» (Halkın Emek Partisi) در سال ۱۹۹۰ تأسیس شد و در سال ۱۹۹۳ در «حزب دموکراسی» ادغام شد.

^{۱۶} «حزب دموکراسی» (Demokrasi Partisi) در ۷ مه ۱۹۹۳ تأسیس شد. در تاریخ ۲ مارس ۱۹۹۴، پارلمان ترکیه مصونیت نمایندگان حزب دموکراسی را لغو کرد و رهبران آن (اورهان دوغان و خطیب دجله) بازداشت شدند و در نهایت حزب ممنوع‌الفعالیت شد.

^{۱۷} «حزب دموکراتیک خلق» (Demokratik Halk Partisi) در ۲۴ اکتبر ۱۹۹۷ تأسیس شد. این حزب ادامه‌ی حزب دموکراسی خلق (HADEP) بود که در مارس ۲۰۰۳ توسط دادگاه قانون اساسی به اتهام حمایت از حزب کارگران کردستان ممنوع‌الفعالیت شده بود.

^{۱۸} «حزب جامعه‌ی دموکراتیک» Demokratik Toplum Partisi در سال ۲۰۰۵ با ادغام «حزب خلق دموکراتیک» و «جنبش جامعه‌ی دموکراتیک» تشکیل شد

^{۱۹} این امر نه تنها مورد تأیید پ.ک.ک است بلکه در آخرین بیانیه‌ی کنگره‌ی این حزب نیز تصریح شده است: «...تلاش رئیس‌جمهور وقت ترکیه، تورگوت اوزال، برای حل مسئله‌ی کرد از طریق سیاسی شکل گرفت. رهبر آپو با آتش‌بس ۱۷ مارس ۱۹۹۳ به این تلاش پاسخ داد...»

^{۲۰} Von Ute Reissner und Justus Leicht, [Ausgabe englischen der aus übersetzt](#), 1983 Köln

متن اصلی به آلمانی است. این هم ترجمه انگلیسی.

^{۲۱} Ali Kemal Özcan, Turkey's Kurds: A Theoretical Analysis of the PKK and Abdullah Öcalan (New York: Routledge, 2006), p. 87

Adana Security Agreement^{۲۲} آشنایی با مفاد این توافقنامه به فهم بیشتر منازعات منطقه‌ای

— به‌ویژه مبارزات سازمان سیاسی کُرد — بسیار کمک می‌کند. [لینک به توافقنامه جدید آدانا](#).

^{۲۳} جزیره‌ی امرالی در دریای مرمره واقع است و از سال ۱۹۹۹ تاکنون زندان اوجالان بوده است.

^{۲۴} حزب حیات آزاد کردستان (پژاک) که شاخه‌ی ایرانی حزب پ.ک.ک است مطلبی را به نقل از

«آکادمی علوم اجتماعی عبدالله اوجالان» با عنوان «[گاه‌شناسی حزب کارگران کوردستان PKK](#)»

منتشر کرده که به بازخوانی کروئولوژی PKK از تأسیس آن تا سال ۲۰۱۳ می‌پردازد.

^{۲۵} به نقل از متن رهنمود اوجالان به کنگره ۱۲، پانویس شماره ۶

^{۲۶} به نقل از [گزارش سازمان دیده‌بان حقوق بشر](#)، 1997.

^{۲۷} اوجالان: «نگاه انقلابی به مسئله‌ی مذهب» (۱۹۹۱)، به نقل از نسخه‌ی ترکی (Abdullah Öcalan,)

(Din Sorununa Devrimci Yaklaşım, Melsa Yayınları, 1991) ص ۴۳-۵۰، برگرفته از

مقاله‌ی «[جنبش کُرد و گفتمان اسلامی آن در عرصه‌ی سیاسی ترکیه](#)» / رونااهی شورش گر»، سایت

پروسه. عنوان انگلیسی این کتاب - Revolutionary Approach to the Issue of Religion -

Abdullah Öcalan است که با شماره‌ی ۳۴ در [لیست آثار اوجالان](#) آورده شده است.

^{۲۸} به نقل از متن رهنمود اوجالان به کنگره ۱۲

^{۲۹} Interview with Abdullah Öcalan - Michael M. Gunter, 1998

^{۳۰} متن مصاحبه‌ی Michael M. Gunter با اوجالان منتشر شده در [Middle East Quarterly](#), June 1998, pp. 79-85

در لینک حاضر قابل دسترسی است.

^{۳۱} [کُردهای بی ملیت سوریه](#)، به نقل از بی.بی.سی ۹ سپتامبر ۲۰۱۰

^{۳۲} در رابطه با ایران باید گفت که ج.ا.ج جزو نخستین کشورهایی بود که پس از سرنگونی صدام (۲۰۰۳)،

در اربیل - پایتخت اقلیم کردستان - کنسولگری بازکرد. حمایت تسلیحاتی و مستشاری ایران از بارزانی،

به‌ویژه در دوران حمله‌ی داعش (۲۰۱۴-۲۰۱۷) چشم‌گیر بود. این را هم باید خاطرنشان کرد که ج.ا.ا

یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین شرکای تجاری اقلیم کردستان است و با صدور برق، گاز، دارو و مصالح

ساختمانی سهم بزرگی در توسعه‌ی اقلیم ایفا کرده است.

^{۳۳} نطفه‌ی این رابطه در زمان استقرار پ.ک.ک در سوریه و به‌ویژه پس از شرکت پ.ک.ک در جنگ ۱۹۸۲ علیه اسرائیل بسته شد و بعد از تشکیل «محور مقاومت» تقویت پیدا کرد و پس از سقوط رژیم صدام (۲۰۰۳) مستحکم‌تر شد. رسانه‌های ترکیه معمولاً گزارش‌هایی از معالجه‌ی زخمیان پ.ک.ک در ایران و نیز سفر فرماندهان آنها به تهران و دیدار با مقامات دولتی منتشر می‌کردند. حتی سال‌ها (۲۰۲۰) سیلیمان سولیو Suleyman Soyly معاون وقت «حزب عدالت و توسعه» اظهار کرد که حدود ۱۰۰ عضو پ.ک.ک با اجازه‌ی ضمنی دولت ج.ا.ا در ایران به‌سر می‌یروند. منبع:

"[Bakan Soyly: Siyasete en büyük darbe terördür](#)". DHA | Demirören Haber Ajansı (in Turkish). 2020-06-06. Retrieved 2024-12-13

^{۳۴} در آوریل ۲۰۰۲ به «کنگره‌ی آزادی و دموکراسی کردستان» کادک-KADEK. در نوامبر ۲۰۰۳ به «کنگره‌ی خلق کردستان» و در مارس سال ۲۰۰۵ «کنفدرالیسم انجمن‌های کردستان» KKK و ۲۰۰۷ به «کنفدرالیسم جوامع کردستان» KCK.

^{۳۵} به نقل از متن رهنمود اوجالان به کنگره ۱۲، پانویس شماره ۶.

^{۳۶} Hêzên Parastina Gel

^{۳۷} [روژاوا در نزاع کار سرمایه](#)، نازنین و یامین

^{۳۸} مثل «حزب حیات آزاد کردستان» معروف به پژاک در ایران (۲۰۰۴)، «کنفدرالیسم انجمن‌های کردستان» KKK (مارس سال ۲۰۰۵)، «کنفدرالیسم جوامع کردستان» KCK (۲۰۰۷)، «نیروهای دموکراتیک سوریه» SDF (۲۰۱۴) و «فدراسیون شمال کردستان» معروف به روژاوا در سوریه (۲۰۱۶)

که پیش‌تر در این باره نوشتیم: [روژاوا در نزاع کار سرمایه](#)

^{۳۹} می‌گوییم صوری برای آن‌که تعریف اوجالان از کاپیتالیسم بسیار سطحی است: «ادعا می‌کنم: کاپیتالیسم اقتصاد نیست، دشمن جان آن است... آیا سرمایه‌ی مالی، اقتصاد است؟ آیا سرمایه‌ی مالی گلوبال، اقتصاد است؟ آیا فاجعه‌ی زیست‌محیطی، اقتصاد است؟ آیا بیکاری مسئله‌ای اقتصادی است؟ آیا بانک، ورقه‌ی بهادار، نرخ ارز و بهره اقتصاد هستند؟ آیا تولید سرطان‌وار کالاها جهت سودآوری، اقتصاد است؟ لیست سؤالات، طولانی است. تنها جوابی که به تمامی آنها داده شود یک نه بزرگ است. فرمول این است: مقصود، قدرت شاهانه است، پول و سرمایه بهانه! از راه بازی‌های بسیار حيله‌گرانه‌ی «پول - سرمایه» نه یک شکل اقتصاد نوین ایجاد شده است، و نه فرم جامعه‌ی کاپیتالیستی و حتی فرمی تمدنی به نام تمدن کاپیتالیستی مطرح است. یک نوع بازی قبضه‌کردن و تصاحب جامعه در جریان است که تاریخ در هیچ دوره‌ای مورد مشابه آن را شاهد نبوده است. نه تنها قبضه کردن نیروی اقتصادی بلکه تصاحب نیروی تمامی فرهنگ‌های سیاسی، نظامی، دینی، اخلاقی، علمی، فلسفی، هنری، تاریخی، مادی و معنوی. کاپیتالیسم، پیشرفته‌ترین شکل حاکمیت و فرم قدرت است.» اوجالان، مانیفست تمدن دموکراتیک، دوره پنج جلدی، ص ۲۵۴

^{۴۰} پیش‌تر درباره‌ی بوکچین و نظراتش به تفصیل نوشتیم. علاقمندان می‌توانند به [از کمونیسم تا کمونالیسم](#) مراجعه کنند.

^{۴۱} در این خصوص پیش تر مطلبی انتشار دادیم: «آیا خیزش کنونی از اندیشه‌های اوجالان الهام یافته

است؟»

^{۴۲} «تخریب علم‌فناوری، فرهنگ، هنر، فکر، دین و نهادهای بسیاری که در دوره‌ی نوسنگی در اطراف زن سامان یافته بودند، از راه حملات مرد نیرومند و حقه‌باز (اُتا) به وقوع پیوست.» درآمدی بر ژنولوژی، ۲۰۱۶، آکادمی ژنولوژی، ص ۷. یادآور فریب آدم توسط حوا در کتاب‌های مقدس ادیان ابراهی مانند قرآن!

^{۴۳} اوجالان، مانیفست تمدن دموکراتیک، ص ۲۵۴. اوجالان: «مبدل نمودن تمامی جامعه به ضعیفه، برای برای کارایی یافتن نظام الزام است. قدرت، با مردانگی همسان است. بنابراین ضعیفه نمودن جامعه، امری ناگزیر است. زیرا قدرت، اصل آزادی و برابری را قبول ندارد.» همانجا، ص ۱۱۷

^{۴۴} اوجالان: «بایستی زندگی‌ای که مدرنیته به‌سان یک زره بر تن پوشانده را همانند درآوردن جامه‌ی جنون و دور انداختن آن ترک کنی، از این زندگی متنفر گردی و از آن دست بشویی. در صورت لزوم باید هر لحظه چنان که گویی استفراف می‌کنی، دل و ذهن و جسم خویش را از این زندگی پاک کنی. حتی اگر زندگی مدرنیستی خود را همچون زیبارخ بی‌همتای جهان به تو عرضه نمود، باید آنچه در درون داری را استفراف کنی.» مانیفست تمدن، دوره پنج جلدی، ص ۹۱۸

^{۴۵} اوجالان: «رهایی انسانیت، از رهگذر فروپاشی این ساختار سرطانی شهرگرایی میسر است.» مانیفست تمدن دموکراتیک، دوره‌ی پنج جلدی، ص ۸۹

^{۴۶} اوجالان، «تعبیر ما این است: "حقیقت"، عشق است و "عشق" نیز حیات آزاد! بنابراین اگر با عشق - هم در مقام روش و هم رژیم حقیقت - به دنبال حیات آزاد نگردیم، نه می‌توانیم به دانایی لازم دست بیاییم و نه می‌توانیم انگاره‌ها و جهان اجتماعی نوین خویش را برسازیم» مانیفست تمدن، دوره‌ی پنج جلدی، ص ۴۶

^{۴۷} اوجالان: «راه رهایی جامعه از کاپیتالیسم، نه از سندیکالیسم و تحزب دولتی بلکه از مسیر جامعه‌ی اخلاقی و سیاسی می‌گذرد... مقاومت جامعه با توسل به مبارزه از طریق اخلاق و سیاست ذاتی‌اش که بنیادی‌ترین ابزارهای هستی در برابر این استیلای فرهنگی و استعمارگری‌اند، تنها راه آزادی و رهایی می‌باشد. جامعه‌ای که جوانانش را از دست داده یا برعکس جوانانی که جامعه‌شان را از کف داده‌اند، نه‌تنها شکست‌خورده محسوب می‌گردند بلکه این وضعیت بدان معناست که حق موجودیت خویش را از دست داده و بدان خیانت نموده‌اند. جز این، آنچه باقی می‌ماند فساد، واپاشی و نابودشدگی است. وظیفه‌ی بنیادین جامعه در برابر این امر، این است که نهادهای آموزشی خویش را به‌مثابه‌ی ابزارهای بنیادین هستی خود، ایجاد نماید. تفکیک محتوایی تفاسیر علمی، فلسفی، هنری و زبانی از ساختاربندهی علم - قدرت، به معنی انجام دادن موفقیت‌آمیز انقلاب معنا[شناختی] است. در غیر این‌صورت، کارآمدسازی بافت‌های اخلاقی و سیاسی موجودیت اجتماعی ممکن نخواهد بود.» مانیفست تمدن دموکراتیک، دوره‌ی پنج جلدی، ص ۶۸۶، ۴۹۴

^{۴۸} اوچالان: «بی‌گمان، بزرگ‌ترین پیروزی مدرنیته در این جاست که بینش فرهنگی پانزده هزار ساله‌ی ما را از هم فروپاشیده و تا سطح رسیدن به هیچ کاهش داده است. این چیزی قابل فهم است که نمی‌توان از افراد و اجتماعاتی که این همه دچار فروپاشی و فروکاستگی تا حد هیچ‌شدگی گشته‌اند، بینشی اصیل و آزاد، مقاومت و شوق به زندگی را انتظار داشت... پناه بردن به شهر و گریز از دامن روستا را نیز همچون یک جرم می‌بینم. هیچ شکی ندارم که زندگی ایده‌آل برای انسان‌ها، نه در ساختار سرطانی شهرهای مدرنیته (تمامی تمدن) بلکه در روستاهای اکولوژیک ممکن است... با رستن از جهنم مدرنیته که عبارت است از سودپرستی، صنعت‌گرایی و "دولت-گرایی، همه چیز بهتر درک می‌گردد و راه‌گشای غنای معنایی حیات می‌شود... تا زمانی که از این زندگی سرطانی مدرنیته رهایی نیابیم، نمی‌توانیم با ذهنیت و اراده‌ی خود (اندیشه-سازمان-عمل) حیات آزادی را ایجاد کنیم که تمامی غناها و سرچشمه‌ی خود را شامل باشد... تا زمانی که از این زندگی سرطانی مدرنیته رهایی نیابیم، نمی‌توانیم با ذهنیت و اراده‌ی خود (اندیشه-سازمان-عمل) حیات آزادی را ایجاد کنیم که تمامی غناها و سرچشمه‌ی خود را شامل باشد. دیر یا زود درک خواهیم کرد که نمی‌توان حیاتی را که به شکل اشتباه‌آمیزی طرح‌ریزی شده، صحیح زیست». مانیفست تمدن دموکراتیک، دوره پنج جلدی، صفحات ۸۸، ۸۹.

^{۴۹} به نقل از «هنمود رهبر آپو به دوازدهمین کنگره پ‌ک»، ۲۰۲۵

^{۵۰} [Öcalan's 2015 Newroz Letter](#)

^{۵۱} برای مثال از سال ۱۹۹۰، استاندار «شرق ترکیه» بنا به ماده‌ی شماره ۴۱۳ دولت، اختیار دارد تا هر رسانده‌ای را که «گزارش نادرستی از وقایع منطقه ارائه دهد و یا گزارش‌ها و تفاسیر نادرستی پخش کند» تعطیل نماید و «در صورت لزوم هر کسی را اخراج کند».

^{۵۲} میرتاش در ۲۰۱۶ بازداشت شد. در مه ۲۰۲۴ در پرونده‌ای که به «دادگاه کوبانی» معروف شد به ۴۲ سال زندان محکوم شد. در ژوئیه ۲۰۲۴، به حکم سابقش دوسال و نیم افزوده شد. در در مارس ۲۰۲۵، با موافقت دولت و شخص اردوغان، به‌طور موقت، به‌منظور حضور در کنار همسر بیمارش آزاد شد ولی اندکی بعد به زندان بازگردانده شد.

^{۵۳} فیگن یوشک‌داغ، رهبر سابق HDP، به بیش از ۳۰ سال زندان محکوم شد و همچنان در زندان است. مجموعاً ۱۰۸ نفر در جریان پرونده‌ی کوبانی، محکوم شدند که اکثر آنها عضو حزب بودند.

^{۵۴} https://english.anf-news.com/features/kurdish-cities-are-among-the-poorest-in-turkey-22604?utm_source=chatgpt.com

^{۵۵} https://jamestown.org/program/new-turkish-study-highlights-poverty-among-kurds/?utm_source=chatgpt.com

^{۵۶} <https://bianet.org/haber/young-population-education-unemployment-and-politics-123530>

^{۵۷} [Syrian Kurds face 30-day ultimatum from US and Turkey](#)

^{۵۸} مسئله‌ی نفت عموماً در تحلیل معضل کردستان عموماً نادیده گرفته می‌شود. مثلاً حدود ۸۰ درصد از کل تولید نفت عراق در منطقه‌ی کُردنشین قرار دارد. در دوره‌ی صدام حسین، این نفت حدود ۷۲ درصد از درآمد صادراتی را تشکیل می‌داد. مسلم است که منافع دولت بعث با سرکوب کردها، به منظور تأمین نیروی کار ارزان و خاموش گره خورده بود.

^{۵۹} به نقل از متن رهنمود اوجالان به کنگره ۱۲